



معنی لغت‌های مهم درس

آسیب:	صدمه	آیین:	روش
اکرم:	گرامی تر، گرامی ترین	کهف:	غار
بیفزاید:	اضافه کند	گم شد:	از دست داد
ذوق:	شوق	منش:	رفتار
مصائب:	سختی‌ها	خصال:	خصلت، ویژگی‌ها
خرسند:	شاد، خوشحال	خاندان:	آل، نیاکان
جامه:	لباس	پلید:	ناپسند، زشت
لاف:	ادعا داشتن	لکه:	تکه، اندازه کوچک
متعالی:	بلند مرتبه	مصاحبت:	هم نشینی، هم صحبتی
رفیق:	دوست	صفا:	زالال
می‌گریز:	دوری کن	طریقت:	راه، روش

معنی عبارت‌ها و بیت‌های مهم درس

مصاحبت با یک دوست خوب و شکیبا، همچون وزش نسیم دل‌انگیزی است.

هم نشینی با یک دوست خوب و بردبار، مانند وزش نسیم دل‌انگیزی است.

دیدار یار غایب، دانی چه ذوق دارد؟
آبری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد

آیا می‌دانی دیدن دوست گم شده چقدر ذوق و شوق دارد؟ لذت آن، مانند لذت باریدن ابری است که بر بیابان بر موجودات تشنه می‌بارد. همان طوری که بارش باران در بیابان همه موجودات را خوشحال می‌کند، دیدن دوباره یار غایب نیز انسان را خوشحال می‌کند.

تنهایی، یکی از سنگین‌تر مصائب است. یکی از سخت‌ترین و دشوارترین مشکلات، بدون دوست بودن است.

ذوقی چنان ندارد. بی‌دوست‌زدگانی. زندگی بدون دوست و یار و همدم، لذت بخش و شور انگیز نیست.

چه بسیارند کسانی که لاف دوستی می‌زنند اما در حقیقت گرگ‌هایی در جامه گوسفندان هستند.

انسان‌هایی که ادعای دوستی می‌کنند، فراوانند؛ در حقیقت این گونه افراد، گرگ صفت‌هایی هستند که در لباس دوست ظاهر شده‌اند.

تا توانی، می‌گریز از یار بد
یار بد بدتر بود از مار بود

تا جایی که می‌توانی و امکان دارد از هم نشینی و دوستی با انسان‌های بد پرهیز کن؛ زیرا دوست بد از مار زهر دار هم خطرناک‌تر است.

مار بد، تنها تو را بر جان زند
یار بد، بر جان و بر ایمان زند

مار فقط به جسم تو آسیب و صدمه می‌رساند، اما دوست و هم نشین بد، هم به جسم و هم به روح و ایمان و اعتقادات تو آسیب می‌زند.



گرچه پاکی، تو را پلید کند

با بدان کم نشین که صحبت بد

با انسان‌های بد و بد نام هم نشینی، نکن، زیرا هم نشینی با این گونه انسان‌ها باعث تأثیر رفتارهای ناپسند آنها در تو می‌شود. حتی اگر پاک نباشی.

لکه‌ای ابر، ناپدید کند

آفتابی بدین بزرگی را

آفتاب بزرگ و با عظمت را گاهی تکه‌ای ابر ناپدید می‌کند. (هم نشینی با انسان‌های بد هم هرچند که ما پاک باشیم، باعث ناپدید شدن پاکی ما می‌شود.)

هر که با بدان نشیند. اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند، به طریقت ایشان متهم گردد. هر کس با انسان‌های بد هم نشین شود، اگر اخلاق ناپسند و رفتارهای زشت این گونه افراد در وی اثر نگذارد، به پیروی از راه و روش آنها و همراهی با آنها متهم می‌شود.

خان‌دان نبوتش گم شد

پسر نوح با بدان بنشست

پسر حضرت نوح (ع) به خاطر هم نشینی با انسان‌های بی دین و بت پرست، اصالت اصلی خود را که از خانواده پیامبران و خدا پرست بود، از دست داد.

پی نیکان گرفت و مردم شد!

سگ اصحاب کهف، روزی چند

سگ اصحاب کهف (پاران غار) به دنبال انسان‌های خداشناس و خوب رفت و مانند آنها دارای ویژگی‌های انسانی شد.

تا تو را عقل و دین بیفزاید

هم نشین تو از تو به باید

همنشین و دوست تو باید از تو بهتر و بالاتر باشد، تا باعث رشد و تعالی عقلی و علم و دین تو شود.

خود ارزیابی

سوال ۱: در متن درس، چه کسانی به عنوان مشاوران خوب، معرفی شده اند؟ پدر، مادر، معلمان دلسوز، مربیان با تجربه

سوال ۲: به نظر شما چرا سعدی، پسر نوح(ع) را با سگ اصحاب کهف، مقایسه کرده است؟

سعدی به تأثیر هم نشینی اشاره دارد و اینکه اگر انسان از خانواده مهمی هم باشد، دوست و همنشین بد می‌تواند او را از آن خانواده دور کند. همچنین می‌خواهد تأثیر هم نشین خوب را نیز یادآور شود اگر انسان خانواده و تبار والایی هم نداشته باشد، به واسطه هم نشینی با انسان‌های خوب و ارزشمند، ارزشمند و والا می‌شود، چون هم نشینی تأثیر خود را می‌گذارد.

سوال ۳: چرا باید از معاشرت با هم‌نشین بد، پرهیز کرد؟

هم نشینی و معاشرت با انسان‌های بد، اگر چه تأثیر مستقیمی بر ما ندارد اما تأثیر غیر مستقیم دارد.

سوال ۴: در انتخاب دوست به چه کسنی می‌توان اعتماد کرد؟ کسانی که ما را از هویت و اصالتمان دور نمی‌کنند، ارزش‌ها را برایمان بی‌ارزش جلوه نمی‌دهند، نگاه‌های متفاوت به زندگی دارند، باعث مثبت اندیشی در رفتار و کردار ما و نیز تقویت فکر و اندیشه ما می‌شوند.

گفت و گو

سوال ۱: درباره آیات، روایات و داستان‌ها و اشعار دیگری که درباره دوستی و دوست یابی دوره نوجوانی شنیده یا خوانده اید، گفت‌وگو کنید. بزرگان و سخن سرایان درباره دوست و دوستی مطالب فراوانی را بیان فرموده‌اند. بزرگان در زمینه دوست و دوست یابی هم عقیده‌اند. آنها دوست را نعمت و ارزش و احترام دوست را بر خود واجب می‌دانند. توصیه به داشتن دوست



خوب می‌کنند و از داشتن دوست بد بر حذر می‌دارند.
بیا تا قدر همدیگر بدانیم
چو مؤمن آیینۀ مؤمن یقین شد
کریمان جان فدای دوست کردند
غرض‌ها تیره دارد دوستی را

که تا ناگه ز یکدیگر نمائیم
چرا با آینه ما رو گرانییم؟
سگی بگذار ما هم مردمانیم
غرض‌ها را چرا از دل نرانیم
مولوی

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

نهال دشمنی بر کن که رنج بی‌شمار آرد...
با دوستان مروت، با دشمنان مدارا...
حافظ

سوال ۲: درباره بیت زیر، گفت‌وگو کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید.

دیدار یار غایب، دانی چه ذوق دارد؟
ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد

ذوق و شوقی که انسان از آمدن و دیدن یار غایب خود دارد شادابی و خوشحالی خاصی را به ما منتقل می‌کند و مانند ذوق و شوق موجوداتی است که در بیابان زندگی می‌کنند و ابر بارانی بر آنها می‌بارد. لذت دیدن دوست غایب شاید یکی از لذت بخش ترین اتفاقات دنیا باشد. لذتی که نمی‌توان آن را با هیچ چیز دیگر جایگزین کرد.

نوشتن

سوال ۱: حرف‌های جدول را به گونه‌ای به هم بپیوندید که واژه‌هایی از متن درس به دست آید.

م	ص	ا	ء	ب	ط
ع	خ	خ	ا	س	ر
م	س	ء	ل	ه	ی
ی	ا	ل	ذ	و	ق
ق	خ	ص	ا	ل	ت

حروف‌های پشت سرهم جدول طریقت، ذوق، مصائب، خصال
حروفی جدا از هم جدول: خصلت، سلامت، واقع، خوب و...

سوال ۲: کلمه مناسب را با توجه به جمله، انتخاب کنید.

الف) تنهایی یکی از مصائب است. (سنگین، سنگین‌تر، سنگین‌ترین)

ب) یار بد، بود از مار بد. (بد، بدترین، بدتر)

ج) سقفی بی‌ستون و این است. (عجب، عجب‌تر، عجب‌ترین)

د) میهن ما از هر کشور دیگر جهان است. (زیبا، زیباتر، زیباترین)

سوال ۳: دو نمونه پرسش‌انکاری از درس‌های پیشین بیابید و بنویسید.

یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار؟

۱- که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟

ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد

۲- دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد؟



سوال ۴: مفهوم کلی حکایت زیر را در یک بند بنویسید.

یکی از بزرگان، پارسایی را گفت: «چه گویی درحقِ فلان عابد که دیگران درحقِ وی به طعنه، سخن‌ها گفته‌اند.»

گفت: «بر ظاهرش، عیب نمی‌بینم و در باطنش، غیب نمی‌دانم.»

درباره دیگران زود قضاوت نکنیم، حرف‌های دیگران را ملاک قضاوت خود قرار ندهیم. روی عیب‌های دیگران تکیه نکنیم و...

فرصتی برای اندیشیدن

سوال ۱: مقصود نویسنده از جمله «افراد بی‌نا، کم می‌بینند»، چیست؟ یعنی کمتر به آنچه می‌بینند توجه می‌کنند، کمتر به دیده‌های خود فکر می‌کنند. با تمام وجود یک پدیده را نمی‌بینند و آن را درک نمی‌کنند.

سوال ۲: اگر شما فرصت کوتاهی برای استفاده از حس شنوایی داشتید، چه می‌کردید؟

من خوب به صداها گوش می‌کردم، سپس آنها را درک می‌کردم و می‌فهمیدم، با تمام وجودم احساسشان می‌کردم و تا جایی که می‌توانستم با آن صداها هم حس می‌شدم و لذت می‌بردم.